



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۷/۲۶

احمد ادریس رحمانی

## چرا روس ها علاقمند تجزیه افغانستان هستند؟؟؟

در این روز ها می‌شنویم که در چندین جلسه چانه زنی بر سر اوکراین سرگی لاوروف مسئله تجزیه افغانستان را مطرح



نموده است. در عین زمان از یک تعداد سیاسیون کشور می‌شنوم که در جلسات اخیر شان با کشور های منطقه مسئله تجزیه افغانستان منحصی یک گزینه برایشان مطرح شده است و از آنها خواستار نظر شان در این رابطه شده اند. یک تعداد این سیاسیون از من هم خواستند در اینباره نظر خود را برایشان بنویسم. منتها برطبق معمول من چنین مسایل را در قید جلسات خصوصی

نمی‌گذارم و در اولین فرصت به اختیار همه قرار میدهم تا باشد نسل جوان کشور در مسیر حوادث قرار گیرند و مردم تا حد امکان از مسیر تلاطم حوادث بیخبر نمانند.

پس بیایید یک نظر بیان‌دازیم که کدام کشور ها در کدام مقاطع تاریخ چرا علاقمند تجزیه افغانستان بوده اند. تجزیه افغانستان برای کدام کشور ها یک فرصت به وجود می‌آورد و برای کدام کشور ها یک چالش؟ از همه مهمتر چرا و چگونه مسئله تجزیه افغانستان با جدال اوکراین گره می‌خورد.

این نکته آخر خیلی مهم است خصوصاً برای کسانی که در این روز ها بیشتر برایم کامنت می‌گذارند که چرا در رابطه به کشور خود نمی‌نویسید و در غم اوکراین مانده اید. در این پست کوشش می‌کنم برایشان توضیح بدهم که چرا اوکراین برای سرنوشت افغانستان مهم است.

بیایید برویم بر سر چهار مسئله مهم و کلیدی و اما قبل از اینکه این چهار نکته را برایتان شرح کنم، می‌خواهم یک مسئله عمده دیگر را برایتان گوشزد کنم که کشور های افغانستان و پاکستان خیلی با سرنوشت مشابه سردچار هستند. این مسئله را من قبلاً هم طی یک پست مفصل در قبال ریشه های قدرت پشتون های تشریح کرده بودم. کسانی که ان نبشته را تا بحال نخوانده اند بهتر است یک سری به ان بزنند تا ضرورت به تکرار ان نشود.

مهم ترین مسئله اینست که تجزیه کشور ها در هر گوشه دنیا و در هر مقطع زمان که رخ داده است خیلی ها به صورت صلح امیز صورت نگرفته است. معمولاً این پروسه ها جنگ های خونینی را در پی می‌داشته باشد که به این حساب تمام کشور های همسایه طبیعتاً از چنین یک پروسه یی نگرانی می‌داشته باشند. اما به صورت اخص تجزیه افغانستان تقریباً به صورت اتوماتیک بحران نهایت سهمگین برای پاکستان ایجاد میکند - اگر به تجزیه ان کشور نه انجامد.

### چطور؟

به محض اینکه افغانستان تجزیه گردد، مسئله ایجاد پشتونستان به شدت مطرح میگردد. حدود ۶۰ میلیون پشتونی که در دو طرف سرحد زندگی میکنند از خیلی سال ها منتظر چنین یک فرصتی هستند. کسانی که سن شان از ۵۰ و ۶۰ فراتر رفته است حتماً بیاد دارند که تا ختم حکومت داکتر نجیب در افغانستان مسئله ایجاد پشتونستان در اولویت دولت های قبلی افغانستان بوده است. حتی در آغاز حکومت اغای کرزی یک تعداد این مسئله را به شدت مطرح کردند اما به دلیل مخالفت امریکایی ها جا نیافتاد.

یکی از دلایلی که پاکستان می‌خواهد همیشه در افغانستان دست بلند داشته باشد، اینست که از چنین یک سناریویی جلوگیری نمایند. روزی که افغانستان تجزیه گردد دیگر پاکستانی ها به مشکل خواهند توانست از ایجاد یک پشتونستان نسبتاً بزرگ جلوگیری نمایند. خصوصاً وقتی کشور های مانند هند به شدت برای ایجاد ان سرمایه گذاری کند.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

حال اگر برویم بر سر چهار مسئله کلیدی - بیرون شدن امریکایی ها از افغانستان به شکلی که یک مقدار زیاد مهمات نظامی را برای طالبان گذاشتند، روس ها چینی ها هندی ها و حتی ایرانی ها را به شدت نگران ساخته است. دلیل نگرانی شان اینست که طالبان قابل پیش بینی نیستند. در عین زمان که با این کشور ها در تعامل هستند با غربی ها هم مذاکره میکنند و این کشور ها از مذاکرات آنها با غربی ها به شدت نگران هستند.

**بنام این چهار مسئله برایشان خیلی مهم میگردد:**

۱. اینکه اگر قرار باشد طالبان در قدرت بمانند روس ها و کشور های آسیای میانه و ایران به شدت علاقمند ایجاد یک کمربند امنیتی در داخل افغانستان برای کشور های خودشان میشوند. هیچ کشوری در منطقه علاقمند رویارویی با طالبان تا دندان مسلح نیستند. خیلی علاقمند هستند یک تعداد از افغانها را حمایت کنند تا برایشان منحصیث یک سپر امنیتی عمل نمایند. ما در گذشته ها دیدیم که مجاهدین منحصیث سپر امنیتی برای پاکستان در مقابل روسیه قرار گرفت. بعداً متوجه شدیم که جبهه متحد در دهه ۹۰ منحصیث یک سپر امنیتی برای آسیای میانه در مقابل پاکستان قرار گرفت. امروز هم روس ها و ایرانی ها (حتی چینی ها) برای خودشان یک سپر امنیتی در افغانستان ضرورت دارند.

۲. اگر طالبان به همراهی پاکستان در محور منافع غربی ها قرار گرفتند و یک پارچه عمل کردند - چیزی که هر روز دارد بیشتر و بیشتر به طرف عملی شدن میرود - در انصورت برای روس ها تجزیه افغانستان کمک میکند که بزرگترین متحد غرب را - یعنی پاکستان را - به شدت به خطر تجزیه و یا بحران های جدی روبرو بسازند - تا مجبور شود از همکاری با غرب دست بکشد. گرچه یک تعداد تاجیکان افغانستان ممکن از این پالیسی روسیه پذیرایی کنند چون فکر میکنند این بخاطر حمایت تاجیک ها خواهد بود ولی واقعیت اینست که روس ها در غم تاجیک های خود تاجیکستان نیستند چه رسد به اینکه در غم تاجیک های افغانستان بمانند. از لنین و استالین سخنان متعدد بجا مانده است که پیوسته میگفتند در آسیای میانه بالای یگانه مردمی که نباید سرمایهگذاری کنیم، تاجیک ها هستند. عوض آنها فکر میکردند مردمان ترک تبار بیشتر به درد اهداف بزرگ و استراتژیک اتحاد جماهیر شوروی میخورند. به هم دلیل هم بود که سرمایهگذاری شوروی سابق بالای کشور های ترک تبار ۱۰ ها مراتبه بیشتر از مناطق تاجیک تبار بود (این بحث خودش خیلی وسیع است که در اینجا نمیشود به آن پرداخت). مهم ترین نکته همین است که روس ها تجزیه افغانستان را بخاطر تنبه کردن پاکستان میخواهند تا از همکاری با غرب منصرف اش سازند. در این میان برای روس ها حتی علاقمندی پشتون های افغانستان برای ایجاد یک پشتونستان بزرگ اهمیت ندارد. آنها معطوف به اهداف ژئوپالیسیک خودشان هستند.

۳. از نظر منطقی اگر نگاه کنید جنگ اوکراین یکی از دست آورد های جدی اش خالی نمودن ذخایر مهمات نظامی روسیه بوده است. تا جاییکه ارقام و عداد به صورت تأیید نشده نشر میگردد، روس ها دارند آخرین ذخایر مهمات تقیله خودشانرا که حتی از زمان های اتحاد جماهیر شوروی ذخیره شده بود مورد استفاده قرار میدهند. برای آنها خیلی خطر ناک است اگر این ذخایر را مکمل خالی نمایند در حالی که در همسایه گی شان ذخایر بزرگ مهمات برای طالبان تسلیم داده شده است. تصور کنید اگر جنگی بین روس ها و طالبان در بگیرد در حالی که جنگ بین روس ها و اوکراینی ها جریان دارد، برای روس ها چه اتفاق خواهد افتاد. حال چون اخبار دقیق را روس ها نمیگذارند به بیرون درز کند ما صرف از روی عملکرد روس ها میتوانیم به حدس و گمان نسبتاً منطقی بپردازیم. بطور مثال ما همه میدانیم که اگر روس ها به مشکل مهمات روبرو نمیبودند به هیچ وجه از چینی ها کمک نمیخواستند و به هیچ وجه دست معامله بسوی ایران دراز نمیکردند. با این دو کار روس ها یک مقدار زیاد موقف برتر بودن نظامی خود را در منطقه از دست داده اند اما چون مجبور بودند به این کار تن در دادند. دست انداختن پوتین توسط اردوغان خیلی دلایل بزرگتر دارد وگرنه اردوغان هرگز جرئت نمیکردن چنین کاری را انجام دهد.

۴. رئیس جمهور پوتین مشهور است به سیاست مداری که اگر بداند کاری در مقابل اش انجام خواهد شد منتظر انجام یافتن ان نمیشود و قبل از عملکرد طرف، دست به عکس العمل میزند. وقتی ببیند که امریکایی ها علاقمند یک جنگ دراز مدت و فرسایشی در اوکراین هستند، میداند که به محض خلاص شدن ذخایر مهمات شان بحران های دیگر به سراغ اش خواهد آمد. در بین یک درجن از بحران هاییکه منتظر اش است - خطر درگرفتن یک جنگ باطالبان تا دندان مسلح به شدت نگران اش میکند.

بنام اگر زحمات او و ایرانی ها و چینی ها برای برگشتاندن عمران خان به قدرت نتیجه ندهد، چاره یی نخواهد داشت به جز اینکه با تجزیه افغانستان، پاکستان را با خطر تجزیه مواجه سازد. در این سیاست هندی ها به شدت علاقمند هستند و با روس ها همکاری میکنند. کشور های آسیای میانه همه علاقمند هستند و همکاری میکنند حتی ترکیه همکاری میکند چون منافع ترک ها در آسیای میانه برایشان با اهمیت است. و بالاخره ایران هم علاقمند است که با این پالیسی همکاری کند. دلیل اش اینست که برای همه شان فرصت میدهد تا برای خود کمربند های امنیتی در

سرحدات شان ایجاد کنند. همین مسئله و اخان که در این روز ها داغ شده است میتواند سراغاز بازی جدید در رابطه باشد.

بناءً قسمی که میبینیم برای روس ها در این مقطع از زمان تجزیه افغانستان منطقی معلوم میشود. دقیق مثلیکه در ماه های قبل از اتفاقات یازدهم سپتامبر امریکایی ها علاقمند تجزیه افغانستان شده بودند (لینک مقاله نیویارک تایمز را از ماه دسمبر ۲۰۰۱ در کامنت میگذارم تا بخوانید). در انوقت پاکستان به شدت منافع امریکایی ها را در دنیا تهدید میکرد و به همین دلیل امریکایی ها علاقمند شده بودند تا با تجزیه افغانستان پاکستان را گوش تاوی بدهند. به عین شکل وقتی پاکستانی های به همراه امریکایی ها مجاهدین را ایجاد کردند و روس ها را در دهه ۸۰ تهدید کردند - روس ها پالیسی ایجاد پشتونستان را در افغانستان به شدت حمایت میکردند تا پاکستانی ها را تنبیه کرده باشند.

فراموش نکنید هر کشوری که بخواد پاکستان را گوش تاوی جدی بدهد یکی از مهم ترین کار هایی را که میکنند اینست که مسئله تجزیه افغانستان و یا ایجاد پشتونستان را روی دست میگیرند. ما از قبل میدانیم که بلوچ ها و سندی ها مشکلات خودشان را با پنجابی ها دارند و به محض اینکه پشتون ها بخواهند پشتونستان ایجاد کنند پاکستان به سرنوشت بنگلادیش سردچار میشود.